

امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه»، امام این تاریخ  
 سحر ز هاتف غییم رسید مژده به گوش  
 که دور شاه شجاع است می دلیر بنوش  
 شد آن که اهل نظر بر کناره می رفتند  
 هزارگونه سخن در دهان و لب خاموش  
 به صوت چنگ بگویم آن حکایتها  
 که از نهفتن آن، دیگ سینه می زد جوش  
 شراب خانگی ترس محتسب خورده  
 به روی یار بنوشیم و بانگ نوشانوش  
 ز کوی میکده دوشش به دوش می بردند  
 امام شهر که سجاده می کشید به دوش  
 دلا دلالت خیرت کنم به راه نجات  
 مکن به فسق مباحات و زهد هم مفروش  
 محل نور تجلیست رأی انور شاه  
 چو قرب او طلبی در صفای نیت کوش  
 به جز ثنای جلالش مساز ورد ضمیر  
 که هست گوش دلش محرم پیام سروش  
 رموز مصلحت ملک خسروان دانند  
 گدای گوشه نشینی تو حافظا مخروش

=====  
**سحر ز هاتف غییم رسید مژده به گوش  
 که دور شاه شجاع است می دلیر بنوش**

جناب حافظ، در مسیر گوش سپردن به ندای حضرت محبوب، متذکر  
 تاریخی شده که دور، دور حاکمی است که با خود شجاعت را به  
 میان آورده. پس باید با ظرفیتی بیشتر به سوی حقیقت نظر کنیم  
 و با گشودگی جهانی، خود را آماده ی تجلیاتی عالم گیر نماییم.  
 سالکان از جمله جناب حافظ در هر واژه و کلمه به اشارات  
 آن ها نظر دارند و لذا از واژه ی «شاه شجاع» منتقل می شوند به  
 احوالی که در آن احوال حاکمی شجاع و شیردل به صحنه می آید  
 تا انسان ها در نسبت با حقایق غیبی، دلیرانه می بنوشند و از  
 تنگناهای تاریخی خود با روحیه ی تحول خواهی عبور کنند. گویا  
 جناب حافظ در آینه ی تاریخ به حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» نظر  
 دارد از آن جهت که ابیات بعدی با شخصیت حضرت امام منطبق  
 است.

=====  
**شد آن که اهل نظر بر کناره می رفتند**

**هزارگونه سخن در دهان و لب خاموش**

دورانی که اهل نظر یعنی آن هایی که با نگاه خود به حقایق  
 زندگی می کردند ولی غریب و گمنام بودند، تمام شد. هزاران حرف  
 مخصوص این زمانه برای گفتن به اهل نظر الهام شده و در عین

حال سکوت را پیشه کرده اند، و این رسم اهل دل است تا در جایی سخن بگویند که آن سخنان خاک آلوده و عرفی نشود و به اصطلاح، حالت متافیزیک به خود نگیرد.

=====

### **به صوت چنگ بگوییم آن حکایتها که از نهفتن آن، دیگ سینه میزد جوش**

یا حالتی شاعرانه و آهنگین آن سخنان را باید گفت و این در حالی است که دیگ سینه به جهت بسته بودن سینه ها به جوش آمده و نزدیک است دیواره ی سینه را بشکافد، زیرا حرفهایی دارد برای امروز ولی گوشهای عادت کرده به سخنان دیروز، آنها را نمی شنوند. و این قصه ی هر متفکری است که می داند چه بگوید، ولی مردم عادت کرده به روزمرگیها به دنبال سخنان معمولی هستند.

=====

### **شراب خانگی ترس محتسب خورده به روی یار بنوشیم و بانگ نوشانوش**

تاریخ، تاریخ عجیبی است. از یک طرف حرفهایی برای گفتن در میان است که تا دیروز مقدسان نادان آن سخنان را کفر می دانستند و از طرف دیگر خدایی ظهور کرده که تنها با آن سخنان می توانیم با او مانوس باشیم. لذا با نظر به روی یار و تجلیات دم به دم او با صدای بلند در مسیر نیوشای سخن او آن سخنان نهفته در سینه و شراب خانگی را اظهار می داریم و دیگر دوران محتسب و تکفیر اهل شوق گذشته است.

=====

### **ز کوی میکده دوشش به دوش می بردند امام شهر که سجاده می کشید به دوش**

اگر تا دیروز محتسبها جز راه دین ظاهری را دین نمی دانستند و ظرفی را که فرزند امام شهر آب نوشیده بود آب کشیدند، ولی آنچنان تاریخ تغییر کرده که از کوی میکده که کوی آزادی از ظاهرگرایی دینی است، امام شهر که سجاده ی خود را به صورت زهاد و عباد به دوش می کشید، به دوش می کردند و تجلیل می کردند ولی نه از مسجد، بلکه از میخانه، زیرا رسم مقدس مآبانه را پشت سر گذاشته بود.

=====

### **دلا دلالت خیرت کنم به راه نجات مکن به فسق مباحات و زهد هم مفروش**

ای دل! در چنین شرایطی که تاریخ حضور حقیقت است و امام شهر را از میخانه به دوش می کشند، مواظب باش که چه نوع شخصیتی

را باید پیشه کنی. به امام شهر یعنی به حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» بنگر که نه به فسق افتخار کرد و نه زهد فروشی می نمود و این زیباترین حیات است برای انسانی که بنا دارد خود را از قبیله‌ی افراد لابلای و متحجرین آزاد کند.

=====

### **محل نور تجلیست رأی انور شاه چو قرب او طلبی در صفای نیت کوش**

نگاه و نظر آن حاکمی که محل نورانی کردن جامعه است، محل تجلی انوار الهی است و هرکس به دنبال قرب و انس با حضرت محبوب است. باید نیت و رویکرد خود را از افراط و تفریط آزاد کند، یعنی نه به فسق افتخار کند، به عنوان مخالفت با روحانیت و نه زهدفروشی کند و با مقدس‌بازی همه را تکفیر نماید.

=====

### **به جز ثنای جلالش مساز ورد ضمیر که هست گوش دلش محرم پیام سروش**

خداوند در این تاریخ کسی را در مقابل شما قرار داده که محل تجلی انوار الهی است به سوی شما، پس باید او را پاس داشت و در جهانی که او در مقابل ما گشوده است خود را جای داد. کسی که گوش دل او محل پیام افلاکیان است و زبانش، زبان حقیقت است در شأنی که انسان این روزگار طالب آن است.

=====

### **رموز مصلحت ملک خسروان دانند گدای گوشه نشینی تو حافظا مخروش**

در نسبت با چنین ولیّ قدسی که جانش محل تجلیات انوار جامع حضرت حق است، باید انصاف به خرج داد و با نظر به کوچکترین کوتاهی‌ها که تصور می‌کنی، خود را هم‌سنگ او نپندار تا جای جایگاه خود را فراموش کنی و زبان اعتراض بگشایی. در حالی که آنچه مصلحت یک ملت است، به حاکمان صادق ملتها القاء می‌شود و نه به گوشه‌نشینی که بیشتر در عبادات فردی خود متوقف است. بی‌حساب نیست که رهبر معظم انقلاب «حفظه الله» در روز 14 خرداد سال 99 در رابطه با روحیه‌ی تحول‌خواهی حضرت امام «رضوان الله تعالی علیه» می‌فرمایند: «تحول‌خواهی لزوماً به معنای اعتراض نیست... گرایش مستمر به بهتر شدن است... و نباید نسبت به آن بی‌صبری کرد.»  
والسلام